

کاهش یافته‌و اکنون به حدود ۱۸۰ لیتر رسیده است. هدف این است که مصرف روزانه به همان الگوی مجاز یعنی ۱۳۰ لیتر برسد تا بحران کمبود منابع مدیریت شود و نیاز کمتری به برداشت غیر مجاز از منابع زیر زمینی داشته باشیم.

در اصل اگر یک نفر از اهالی یک ساختمان درخواست نصب تجهیزات کاهنده مصرف دهد، بقیه اهالی نیز باید به‌صورت اجباری این کاهنده را نصب کنند؛ چرا که اغلب ساختمان‌های تهران دارای یک کنتور آب مشترک هستند و در نتیجه صرفه‌جویی و استفاده از کاهنده، الزام برای تمامی واحدهاست. آبفا در زمان نصب تجهیزات به مردم اعلام نموده که در صورت نبود سایر اهالی ساختمان این هزینه ۵۰۰ هزار تومانی نیز قرار است از آنها دریافت شود. برای مشخص شدن این موضوع باید منتظر قبوض آب ماند تا مشخص شود که آیا هزینه‌ای بابت عدم نصب تجهیزات نیز دریافت می‌شود یا خیر؟

مسئله اساسی اینجاست که چرا آبفا امروز به فکر صرفه‌جویی افتاده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایران از بهار امسال بارش‌های بسیار کمی داشته، در نتیجه مسئله کمبود آب یک موضوع کاملاً قابل پیش‌بینی بوده است و به‌نوعی آبفا با یک تحقیق و بررسی ساده می‌توانست به این نتیجه برسد که تابستان و حتی پاییز سختی در انتظار کشور است. باوجود چنین شرایطی چرا از ابتدای سال تغییر فرهنگ صرفه‌جویی نبوده است؟

برخی اعلام می‌کنند که آبفا حدود شش ماه است طرح صرفه‌جویی را شروع کرده؛ اما بررسی‌ها و پیگیری‌های میدانی «هم‌میهن» نشان می‌دهد این طرح به‌صورت رسمی و گسترده کمتر از یک ماه است که آغاز شده.

▼ صرفه‌جویی دیر هنگام

نکته اینجاست که از بهار امسال شرایط آبی کشور وخیم بود، تهران از بهار با سهمیه‌بندی آب مواجه بود، چرا که با هشدارهای داده‌شده مدیران امروز که در یک‌قدمی نقطه صفر آبی قرار داریم به فکر صرفه‌جویی و حتی ذخیره‌سازی آب افتاده‌اند.

شرایط امروز حاصل بی‌توجهی مردم نسبت به بحران آب نیست، بلکه شبکه‌ا که نیز دارای فرسودگی مزمن است و پژوهش‌های منتشرشده نشان می‌دهد تنها در تهران حدود ۲۵ درصد از آب شرب از طریق لوله‌های شهری معیوب به بیرون نشت می‌کند؛ یعنی یک‌چهارم منابع آبی به‌دلیل زیرساخت‌های فرسوده، پیش از رسیدن به خانه‌های مردم از دست می‌رود که در نهایت هزینه این هدررفت از جیب مصرف‌کننده پرداخت می‌شود، اما همچنان مسئولیت تعمیر بر زمین مانده است. این چرخه ناکارآمدی و فشار سال‌هاست که ادامه داشته و حالا طرح‌های جدید برای صرفه‌جویی فشار مالی بیشتر به مردم اضافه کرده و به نظر نمی‌رسد در بلندمدت تأثیری داشته‌باشد.

بهار و پاییز امسال تقریباً بدون بارش گذشته و بررسی‌های میدانی، خبر از سهمیه‌بندی آب در بسیاری از مناطق کشور خصوصاً تهران می‌دهد. هر چند مدیران آبفا این موضوع را تکذیب می‌کنند و عقیده دارند که تنها در ساعاتی در شب فشار آب کاهش پیدا می‌کند، اما شواهد میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از مناطق تهران چند ساعت از شبانه‌روز با افت شدید یا قطع کامل آب مواجه می‌شوند. به بیان ساده‌تر جیره‌بندی خاموش آب در جریان است؛ هر چند که این موضوع به‌صورت رسمی انکار می‌شود.

از سوی دیگر هم‌زمان با خالی شدن سدها برداشت از منابع زیرزمینی نیز به‌صورت قابل توجهی افزایش یافته است. این روند گرچه به‌صورت موقت درد شهر را درمان می‌کنند؛ اما به قیمت تهدید زیر زمین تمام می‌شود. آمارها نشان می‌دهد نرخ فرونشست در برخی از مناطق تهران به حدود ۳۰ سانتی‌متر در سال رسیده است؛ رقمی ترسان‌ک که می‌تواند زیرساخت‌های حیاتی شهر را نابود سازد. لوله‌کشی آب و گاز، شبکه‌های فاضلاب و حتی ساختمان‌های مسکونی در برابر این چنین نشست‌ها آسیب‌پذیر هستند.

بحران آبی در نتیجه به جریان عمرانی و حتی ایمنی شهری گره خورده است و می‌تواند هزینه‌های بسیار سنگینی در پی داشته باشد. در اصل هزینه‌های برداشت آب زمینی و در پی آن فرونشست زمین بسیار بالاست.

مهدی زارع، استاد پژوهشکده بین‌المللی زلزله‌شناسی،

در خصوص برداشت آب‌های زیرزمینی و فرونشست زمین می‌گوید: «تخلیه آب زیرزمینی باعث کاهش فشار منفذی در اعماق زمین می‌شود. این کاهش فشار، تنش مؤثر را افزایش داده و می‌تواند تنش برشی (Shear Stress) در راستای صفحه‌ی گسل‌ها را تغییر دهد. در نتیجه، گسل‌ها تحریک یا مجدداً فعال می‌شوند، حتی اگر در کوتاه‌مدت فعالیت لرزه‌ای نداشته باشند.»

دانش‌بنیان، صنعتی و تولیدی از جمله صایران، پارس الکتریک، سازمان صنایع دفاعی، پردیس هوش مصنوعی، صنایع الکترواپتیک، شرکت‌های هلدینگ‌های بنیاد مستضعفان و برخی شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی است و این مسئله نیز باز از تباطؤ مستقیمی به ایران خودرودناشته است. آنچه سردار حسن‌زاده گفته است نیز هیچ نسبتی با ادعای آقای ثابتی ندارد؛ فرمانده سپاه تهران بزرگ نه‌تنها ایران خودرو را نماد تفکر بسیجی و تبدیل تهدیدها به فرصت نخوانده، بلکه در مصاحبه‌ای که با یک خبرنگار حاضر در این نمایشگاه انجام می‌دهد به گله‌های مردم از برخی قیمت‌گذاری‌ها و کیفیت‌ها و... نیز اشاره می‌کند؛ آنچه سردار حسن‌زاده درباره تهدید و فرصت مطرح می‌کند به این شکل است که «اگر به هدف مدنظر رئیس‌جمهور درباره تولید یک موتور خودروی ایرانی با مصرف سوخت کمتر از ۵ لیتر برسیم، یعنی توانسته‌ایم تهدید را به فرصت تبدیل کنیم» که این جملات هیچ نسبتی با صحبت آقای ثابتی ندارد. آقای ثابتی با مشتی دروغ

محسن اردکانی، مدیرعامل آبفا، چندی پیش اعلام کرد: «در دوره شصت‌ساله آماری کشور، همواره دو سال خشکسالی و چند سال ترسالی داشتیم. اکنون برای اولین‌بار در طول این شصت سال، ششمین سال خشکسالی‌پیاپی را تجربه‌می‌کنیم.» این جمله تنهاییه معنای اعلام وضعیت نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر اقلیمی عمیقی است که دیگر با روش‌های معمول قابل‌مهار نیست.
باین حال آیا آبفا امروز از این تغییر خبردار شده؟ صراحتاً می‌توان گفت خیر. آبفا باید مدت‌هایپیش برای این شرایط آماده می‌شد و در شرایطی که کشور در آستانه صفر آبی قرار گرفته، صحبت در خصوص اینکه کشور شرایط آبی درستی ندارد یا اینکه مردم باید صرفه‌جویی کنند چندان درست نیست. در اصل مشکل باید ریشه‌ای حل شود و ریشه مشکل کم‌آبی مردم نیستند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر در سال‌های گذشته برنامه‌ی جامع مدیریت مصرف و بازسازی شبکه اجرا می‌شد، امروز تهران تا این اندازه به بحران نزدیک نمی‌شد و شرایط آبی کمی بهتر بود. مدیرانی که باید از سال‌هایپیش با پیش‌بینی اقلیم و رفتار منابع، اصلاح ساختارها را آغاز می‌کردند، امروز که بحران به اوج رسیده، به فکر افتاده‌اند. در این شرایط نخستین وظیفه آبفا اصلاح و تعمیرات لوله‌ها و کاهش هدررفت شبکه است و سپس فرهنگ‌سازی مصرف، اما حالا برعکس عمل می‌شود؛ از مردم خواسته شده صرفه‌جویی کنند، درحالی‌که بخش بزرگی از آب آشامیدنی پیش از رسیدن به مردم هدر می‌رود.

بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که حتی اگر آبفا چند ماه زودتر اقدام می‌کرد، شاید شرایط تا این اندازه وخیم نبود. فرونشست زمین، کاهش فشار آب، افزایش بی‌اعتمادی عمومی و طرح‌های پراکنده‌ی پرهزینه، همگی زنجیره‌ای از تصمیمات دیر هنگام‌اند. به نظر می‌رسد راهکارهای کوتاه‌مدت همچون نصب تجهیزات صرفه‌جویی و جریمی قبوض، بدون اصلاح شبکه، تنها بار مالی از آبفا به مردم جابه‌جا می‌کند و نتیجه‌ای ندارد.

▼ مدیریت اقلیم خشک

احد وظایف، کارشناس ارشد خشکسالی در خصوص شرایط موجود به‌روز فراروقیه‌دهد: «باتوجه به خشک‌نیمه‌خشکی اقلیم ایران، مدیریت نامناسب منابع آب وضعیت خشکسالی را تشدید کرده است. برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، توسعه صنایع آب‌بر در مناطق نامناسب، توسعه و جانمایی جمعیت در برخی کلان‌شهرها که پتانسیل کافی برای پذیرش این تعداد را ندارند، شبکه‌های انتقال و توزیع فرسوده، با هدررفت آب و عدم رعایت پتانسیل اقلیمی با توجه به محدودیت‌های سرزمینی از جمله دلایل انسانی تشدید خشکسالی هستند. اجرای ناقص یا به‌تاخیر افتادن اجرای آمایش سرزمینی نیز باعث شده ظرفیت‌های مناطق به‌درستی مدیریت نشود.»

وظیفه توضیح داده بود: «باتوجه به گرایش زمین و تغییر اقلیم و همچنین تغییرات انسانی شامل تخریب محیط و از بین بردن منابع طبیعی، می‌تواند به وضعیت بدتر در سال‌های آینده منجر شود. در حال حاضر بخش مهمی از نیاز آب شرب کلان‌شهرها در ایران به خصوص تهران، از منابع زیرزمینی آب تأمین می‌شود. با عدم تجدید آب زیرزمینی به دلایل متعدد، از جمله فراوانی و تشدید خشکسالی‌ها، برداشت‌های فراتر از میزان جایگزینی آب، منابع زیرزمینی بسیار ناپایدار هستند و برای مثال زمین به‌شدت در جنوب تهران در حال فرونشست است. در عین حال هم‌زمان با انتقال آب اغلب حوضه‌های مجاور به تهران که بخشی از آن وارد زمین می‌شود، باین حال زمین دشت‌های جنوب تهران و البرز همچنان در حال فرونشست است. مشخص است که چرخه طبیعی آب رعایت نمی‌شود. این فرونشست نشان‌دهنده بحران است و مشکل با بحران آب حتی در سطح تأمین آب شرب می‌تواند در آینده تشدید شود.»

امید شایسته، کارشناس منابع آب و عضو هیئت علمی دانشگاه درباره ارزیابی بحران کنونی آب در تهران نیز می‌گوید: «تهران در وضعیت بحرانی واقعی قرار دارد. ما در سال‌های اخیر با ترکیب خطرناکی از کاهش بارش، برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی و رشد جمعیت شهری روبه‌رو بوده ایم. در گذشته سدها توانایی جبران کمبود بارندگی را داشتند؛ اما امروز مخازن هم خالی‌اند. میانگین بارش در تهران طی پنج سال گذشته حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از نرمال بوده و این یعنی ورودی آب به سدها هر سال کاهش یافته‌است.»

براین اساس می‌توان گفت که میزان بارش‌ها تا پایان زمستان نمی‌تواند کمبودها را جبران کند و به‌مرور شرایط وخیم‌تر خواهد شد؛ چرا که بارش‌های سال آینده نیز به‌صورت قابل توجهی نیز کمتر خواهد بود.

نکته اینجاست که در شرایطی که بارش‌ها روزبه‌روز کاهش

پیدا می‌کند، آیا آبفا می‌تواند در این شرایط که آینده آن به‌راحتی قابل پیش‌بینی است، اول اینکه، زیرساخت‌هایی که باعث هدررفت آب می‌شود را ترمیم کند و دوم اینکه، مرحله دوم صرفه‌جویی را الگوی مردم قرار دهد؟ در این شرایط شاید در سال‌های آتی کشور از نقطه صفر آبی فاصله بگیرد.

خردادماه سال جاری، محمدرضا کاویان‌پور، رئیس موسسه تحقیقات آب، به بدهی ۱۴۹ میلیارد مترمکعبی به مخازن آب زیرزمینی طی ۶۰ سال گذشته اشاره کرد و گفت: «این وضعیت ۴۲۸ دشت از ۶۰۹ دشت کشور را در وضعیت بحرانی قرار داده است.»

حال با گذشت حدود ششش ماه از زمان بیان این صحبت‌ها، کارشناسان اعلام کرده‌اند «اگر در سال‌های گذشته برای رسیدن به آب لازم بود ۴ الی ۵ متر از زمین را حفر کنند، الان باید بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر از زمین را بکنند.» بررسی‌های میدانی نیز این موضوع را تأیید می‌کند، برای نمونه بسیاری از اهالی شمالی کشور که دارای چاه آب در زمین‌های کشاورزی خود هستند گفته‌اند که در سال جاری برای رسیدن به آب چاه‌های خود را عمیق‌تر کرده‌اند. به بیان ساده‌تر خشکسالی حتی به بارانی‌ترین منطقه کشور، حتی مناطق شمالی رسیده است.

این مشکل زمانی حساس‌تر می‌شود که این ارقام در کنار آمار تأمین آب شرب پایتخت از آب‌های زیرزمینی قرار داده می‌شود. به گفته بنفشه رضایی، استاد مدیریت منابع آب دانشگاه تهران: «پیش از ۶۰ درصد آب شرب پایتخت از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود.» اما، کمبود آب شرب که مستقیماً با زیست فردی انسان گره خورده، موضوعات دیگری هم هست که با این برداشت‌های بی‌رویه می‌تواند نه‌تنها تهدیدی برای محیط‌زیست بلکه تهدیدی برای زندگی انسان‌ها باشد و آن مسئله فرونشست زمین است.

به گفته کارشناسان، وقتی داده‌های هواشناسی به‌صراحت نشان می‌دهد بارش‌ها در فصل زمستان پاسخگوی کمبود نیستند، تمرکز باید از طرح‌های کوچک صرفه‌جویی خانگی فراتر رود و بر اصلاح زیرساخت‌ها گذاشته‌شود تا شاید به‌مرور شرایط بهتر شود.

بررسی‌های میدانی و داده‌های رسمی نشان می‌دهد فرسودگی شبکه‌های انتقال آب در تهران به یکی از چالش‌های اساسی منابع آبی تبدیل شده است. به گفته کارشناسان، ترک‌ها و شکستگی‌ها در لوله‌های قدیمی سبب اتلاف بخش قابل توجهی از آب می‌شود؛ آب تصفیه‌شده‌ای که با هزینه‌های سنگین پمپاژ، تصفیه و انتقال، قبل از رسیدن به‌دست مصرف‌کننده در زیر زمین ناپدید می‌شود.

بررسی‌های اطلاعات منتشرشده نشان می‌دهد که تنها بخش کوچکی از این هدررفت به رفتار مصرف‌کنندگان مربوط است و بخش عمده‌ای از آن در همان مسیر انتقال و توزیع از بین می‌رود. درحالی‌که سیاست‌های فرهنگی همانند نصب شیرهای کاهنده مصرف یا کاهش فشار موقتی مصرف آب تأثیری کوتاه‌مدت در شرایط دارد و شاید بتواند چندهفته‌ای تأثیر مثبت داشته باشد، در مقابل، ترمیم اساسی شبکه توزیع، اقدامی ماندگار و ریشه‌ای برای کاهش هدررفت شبکه‌آبی به‌شمار می‌رود. بر اساس آمارهای منتشرشده بخش قابل ملاحظه‌ای از لوله‌های شبکه انتقال پایتخت بیش از چند دهه عمر دارند و بسیاری از آنها در مناطق فرسوده شهری یا زمین‌های با بافت سست و کم‌قوت قرار گرفته‌اند. این فرسودگی، در کنار برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، باعث نشست زمین و در نتیجه افزایش ترک‌ها در مسیرهای انتقال شده است. به بیان ساده‌تر، چرخه معیوب شکل گرفته که در آن کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فشار چندبرابری را بر لوله‌های قدیمی وارد کرده، شرایطی را برای نشتی‌های چندبرابری فراهم ساخته است.

کارشناسان هشدار می‌دهند، ادامه این روند نه‌تنها امنیت آبی تهران را تهدید می‌کند؛ بلکه هزینه‌های پنهان سنگینی نیز به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند. هدررفت آب تصفیه‌شده به معنای مصرف بی‌نتیجه انرژی، مواد شیمیایی و حتی سرمایه انسانی است. باتوجه به بحران منابع آبی کشور، تحلیل‌گران عقیده دارند که نوسازی زیرساخت‌ها در گام نخست، و فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در گام دوم نیز به اعتقاد آنها، اگر بودجه‌های عمرانی و آموزشی به‌صورت هدفمند و هم‌افزا صرف شود، می‌توان در چند سال آینده بخش قابل توجهی از هدررفت آب شهری را کنترل کرد؛ هدفی که تحقق آن برای آینده کلان‌شهری مانند تهران حیاتی است. باوجود بارش‌های پرآکنده، چشم‌انداز آینده آبی همچنان خوش‌بینانه نیست. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بارش‌های سال آینده نیز از میانگین بلندمدت پایین‌تر خواهد بود. این یعنی سال ۱۴۰۵ ممکن است آغاز دوره تازه‌ای از خشکسالی شدید در ایران و به‌ویژه در شهرهای بزرگ باشد.

سختش نیز کاهل است و آن‌کس که بیش از آن که حقیقت برایش مسئله باشد، به هیجان کار می‌اندیشد و «بازی با اعتبار افراد» را به «کمک درست به حکمرانی» ترجیح می‌دهد، چنه‌سبیتی با عصاره فضائل ملت می‌تواند داشته باشد؟ «عقلانیت» و «انصاف» حکم می‌کرد که وقتی خبری به این نحو، آن هم درباره یک سردار سپاه ـ که جناب ثابتی حداقل در لفظ مدعی است به نهاد و لباسش احترام می‌گذارد ـ به ایشان رسید، آن خبر را از منابع موثق چک می‌کرد و یا تماسی با خود آقای حسن‌زاده و با اطرافیان مطلع ایشان برقرار می‌کرد تا این چنین با اطلاعات دروغ به یک فرد تاخته نشود و افکار عمومی دست خوش آشفتنگی نگردد. هیجان‌زدگی و ناسزاگویی، حتماً با شأن نمایندگی نمی‌تواند تناسب داشته باشد، و این به‌ویژه از ناحیه نماینده محترمی که خود را جزو عدالت‌خواهان و اصولگرایان (به‌معنای دقیق کلمه و نه اصطلاح سیاسی آن) می‌خواند، حتماً باید بیش از دیگران مراعات شود.

نگاه کارشناس

شروع عصر رمزارزها در بورس ایران



علی رحمانی

کارشناس بازار سرمایه

ورود بیت‌کوین به معاملات گواهی سپرده در بورس کالای ایران از جهاتی مثبت و چالش‌برانگیز است. باور و بیت‌کوین و شفافیت بیشتر و با طرح «گواهی سپرده بیت‌کوین»، بیت‌کوین به شکلی قانونی و تحت نظارت وارد ساختار بورس می‌شود؛ این یعنی شفافیت قیمت، استانداردهای معاملاتی و مقررات نظارتی که می‌تواند بخشی از نگرانی‌ها را درباره امنیت و ریسک معاملات رمزارزها کاهش دهد. با دسترسی ساده‌تر برای سرمایه‌گذاران سنتی، کسانی که تجربه خرید رمزارز ندارند یا بدغدغه نگهداری، کیف پول دیجیتال و مسائل فنی دارند، می‌توانند از طریق گواهی سپرده مانند خرید اوراق در بورس وارد بازار بیت‌کوین شوند. این موضوع می‌تواند «در ورود» به رمزارزها را برای طیفی از سرمایه‌گذاران آسان‌تر کند.

► **تنوع ابزارهای مالی و ادغام با بازار سرمایه:** اگر بیت‌کوین به شکل گواهی سپرده در بورس باشد، امکان ساخت ابزارهای مالی مثل صندوق‌های مبتنی بر بیت‌کوین ETF (با نظایر آن) وجود دارد؛ ابزاری که ترکیب جذابی از رمزارز و بازار سرمایه ایجاد می‌کند.

► **کاهش ریسک فنی برای افراد:** نگهداری بیت‌کوین در کیف پول دیجیتال همیشه با ریسک‌هایی همراه است؛ گواهی سپرده اگر به درستی زیرساخت داشته باشد، ریسک «گم‌شدن کلید خصوصی» یا اشتباه فنی کاربر را کم‌هی می‌کند.

► **نوسان بالا و ماهیت پرریسک بیت‌کوین:** بیت‌کوین ذاتاً دارایی‌ای پرنوسان است. تبدیل آن به ابزار مالی رسمی حتی با گواهی سپرده مشکلاتی مانند تغییرات شدید قیمت، نقدشوندگی کم در بازه‌های کوتاه، یا حتی زیان قابل توجه برای دارندگان در دوره‌های نزول دارد. (همان‌طور که دارایی‌های دیجیتال عموماً چنین ریسک‌هایی دارند)

► **ریسک نگهداری و امنیت سایبری:** اگر زیرساخت نگهداری بیت‌کوین (custody) توسط بورس یا نهاد واسطی انجام شود، باید بسیار مطمئن و مقاوم در برابر حملات سایبری باشد. اگر این بخش ضعیف باشد، بخش بزرگی از مزیت «امنیت بیشتر» می‌تواند بی‌اثر شود.

► **ریسک قانونی و حقوقی:** با اینکه گواهی سپرده راهی برای «رسمی کردن» بیت‌کوین است، امار رمزارزها در بسیاری از جاها در تقابل با سیاست‌های پولی و ارزی قرار می‌گیرند؛ بنابراین ممکن است قوانین، مقررات مالیاتی، ارزی یا اراده سیاستگذار روی آن تأثیر بگذارد.

► **عدم تطابق کامل با ساختارهای سنتی کالا:** بیت‌کوین با کالاهای سنتی (مثل طلا، آهن، ...) متفاوت است و ماهیت دیجیتال، غیرمتمرکز و مبتنی بر بلاک‌چین دارد. ممکن است استانداردها، شفافیت و زیرساخت‌هایی که برای کالاهای فیزیکی تعریف شده، نتوانند کاملاً با ماهیت رمزارزها همخوانی داشته باشند؛ و این تفاوت بر نقدشوندگی، تحول یا وثیقه‌پذیری تأثیر بگذارد. من

متعقدم ورود بیت‌کوین به معاملات گواهی سپرده بورس کالای ایران اگر بایبندگی سخت به استانداردهای امنیتی، شفافیت، نظم نظارتی و آموزش سرمایه‌گذاران همراه باشد، می‌تواند یک گام مثبت و منطقی باشد. این کار می‌تواند به «رسمیت + دسترسی + کاهش ریسک فنی» کمک کند و دوری برای جذب سرمایه‌های مختلف به بازار رمزارزها باز کند. اما این روند نیاز به شکیبایی و مدیریت ریسک دارد؛ باید منتظر باشیم ببینیم زیرساخت‌ها چگونه پیاده می‌شوند، نقدشوندگی چگونه است، و بازار چگونه نوسان قیمت بیت‌کوین کنار می‌آید. در پایان یادآور می‌شود که این معاملات در بستر بازار مالی (گواهی سپرده کالا) در سامانه معاملات کارگزاری‌های بورس دارای مجوز ابزار مشتقه و سپرده کالایی انجام‌پذیر خواهد بود. اگر گواهی سپرده پذیرفته شود و زیرساخت‌ها فراهم گردد، بیت‌کوین می‌تواند وارد بازار رسمی سرمایه شود؛ یعنی کسانی که تاکنون به دلیل نگرانی امنیتی، قهقیی یا قانونی وارد نشده‌اند، بتوانند با یک ابزار شناخته‌شده و قانونمند در آن سرمایه‌گذاری کنند. این به معنای افزایش مقبولیت بیت‌کوین در سطح عمومی و نهادی است. گواهی سپرده می‌تواند سکوی پرتاب برای ایجاد صندوق‌های قابل معامله یا سایر محصولات مالی مشابه شود چیزی که در بازارهای پیشرفته برای بیت‌کوین دیده شده است. این امر می‌تواند تنوع ابزار مالی را افزایش دهد و بازار را برای سرمایه‌گذاران حرفه‌ای جذاب‌تر کند. با ورود نقدینگی از سرمایه‌گذاران سنتی و نهادی، بازار بیت‌کوین در ایران می‌تواند عمق بیشتری پیدا کند. این امر احتمال نوسانات شدید را کاهش می‌دهد (با دست‌کم تأثیر آن را کمتر می‌کند) اگر مدیریت صحیح انجام شود. اما برای اینکه این چشم‌انداز مثبت محقق شود، لازم است نهادهای نظارتی، قوانین مناسب تدوین کنند؛ درباره مالکیت رمزارز، نحوه نگهداری، شفافیت معاملات، مالیات، مقررات ضدپول‌شویی و حسابرسی. اگر این نهادها ضعیف باشند، ریسک سوءاستفاده، تقلب، یا بحران اعتماد جدی است.